

باسمه تعالی

- ۱ مقدمه حجیت ظنون
- ۱ جهت اول: حجیت ذاتی ظن
- ۱ مراد از حجیت ذاتی ظن
- ۲ اقوال در مسأله
- ۲ نظر مختار: تفصیل بین معانی مختلف ذاتی
- ۲ ذاتی به معنای غیر جعلی
- ۳ ذاتی به معنای غیر جعلی و غیر قابل ردع

موضوع: حجج و امارات / ظن / حجیت ذاتی ظن

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه قبل مباحث قطع به پایان رسیده، و مباحث ظن شروع شد. در مقدمه مباحث ظن سه جهت بحث وجود دارد: اول در ذاتیت حجیت ظن؛ و دوم در امکان جعل حجیت برای ظن؛ و سوم در مقتضای اصل در شک در حجیت ظن. در این جلسه جهت اول یعنی ذاتی بودن حجیت ظن بررسی می‌شود.

مقدمه حجیت ظنون

«ظن» احتمال راجح بوده و در مقابل احتمال مرجوح و مساوی یعنی «وهم» و «شک» است. پس ظن شامل «اطمینان» نیز می‌شود (هرچند گاهی ظن در مقابل اطمینان به کار می‌رود). بنابراین «قطع» یعنی اعتقاد جزمی، و «وهم» و «شک» از محل بحث خارجند.

مباحث مقدمه حجیت ظن، در سه جهت بحث می‌شود: بحث اول از حجیت ذاتی برای ظن؛ بحث دوم از امکان جعل حجیت برای ظن؛ و بحث سوم از مقتضای اصل در شک در حجیت ظن (شک در خود حجیت ظن یا در جعل حجیت برای ظن):

جهت اول: حجیت ذاتی ظن

قبل از ورود به بحث نیاز است مراد از «حجیت ذاتی» برای ظن توضیح داده شود:

مراد از حجیت ذاتی ظن

«حجیت» در علم اصول به دو معنی «منجزیت» و «معدریت» است. منجزیت یعنی اگر شیئی به تکلیف فعلی تعلق گیرد، تکلیف فعلی منجز شود؛ و معدریت یعنی اگر امری به عدم تکلیف فعلی تعلق گیرد، آن تکلیف معدر شود. تکلیف منجز نیز همان تکلیفی است که در مخالفت آن استحقاق عقوبت وجود دارد؛ و تکلیف معدر نیز تکلیفی است که در مخالفت آن استحقاق عقوبت نیست.

مراد از حجیت در طرح این بحث، فقط «منجزیت» است. بنابراین سوال این است که اگر ظن به تکلیف فعلی تعلق گیرد، آیا موجب تنجز آن تکلیف می‌شود؟ اما در ظن به عدم تکلیف فعلی، بحث از معدریت مفروغ‌عنه بوده است؛ زیرا در نزد مشهور فقط قطع، منجز محسوب می‌شود. یعنی در صورتی که ظن به تکلیف باشد هم برائت عقلیه جریان دارد، فضلاً از ظن به عدم تکلیف. به عبارت دیگر اگر قطع به تکلیف نباشد، کافی است تا برائت عقلیه جریان یابد، و نیازی نیست ظن به عدم تکلیف باشد.

به هر حال مراد از حجیت ظن در این بحث، منجزیت ظن است.

اقوال در مسأله

بحث در این است که اگر ظن به تکلیف فعلی تعلق گیرد، آیا موجب تنجز آن تکلیف می‌شود؟ در نظر مشهور ظن ذاتاً منجز نبوده و تنجز ظن نیاز به جعل دارد (نظیر مالیت یک اسکناس)؛ بر خلاف حجیت قطع که ذاتی بوده و نیازی به جعل ندارد (نظیر مالیت یک قطعه طلا).

در مقابل مشهور، شهید صدر حجیت ظن را ذاتی می‌داند. ایشان تفاوتی بین «ظن» و «وهم» و «شک» و «قطع» نگذاشته و تمام این امور را موجب تنجز تکلیف فعلی می‌داند. پس شخص مخالفت کننده با تکلیف مظنون نیز عقلاً استحقاق عقاب دارد.

نظر مختار: تفصیل بین معانی مختلف ذاتی

همانطور که گفته شد مراد از حجیت ظن، منجزیت ظن است. در معنای «ذاتی» دو احتمال وجود دارد: اول اینکه ذاتی یعنی نیازی به جعل نداشته و مقتضای خود شیء است؛ و دوم اینکه ذاتی یعنی نیازی به جعل نداشته و از شیء قابل سلب نیست؛ با توجه به هریک از این معنای، ذاتی بودن حجیت ظن بررسی می‌شود:

ذاتی به معنای غیر جعلی

ممکن است مراد از «ذاتی» این باشد که نیازی به جعل نداشته و مقتضای خود شیء است، و در مقابل اعتباری و جعلی می‌باشد؛ حجیت ظن به معنای منجزیت عقلی در مقابل منجزیت شرعی و عرفی است. یعنی محل بحث فقط در حجیت عقلی

است به این معنی که مخالفت با آن در نظر عقل استحقاق عقوبت دارد. در این صورت، سه نظر در حجیت ذاتی ظن به این معنی وجود دارد:

الف. «ظن» در نظر مشهور، حجّت عقلی و ذاتی نیست، یعنی عقوبت بر مخالفت تکلیف مظنون در نظر عقل قبیح است.
ب. منجزیت «ظن» در نظر شهید صدر عقلی و ذاتی است، یعنی عقوبت بر مخالفت تکلیف مظنون در نظر عقلی قبیح نیست (همانطور که عقوبت بر مخالفت تکلیف مقطوع در نظر عقل قبیح نیست).
ج. شهید صدر در کتاب حلقات به قائلی نسبت داده که حجیت ظن اطمینانی را ذاتی دانسته، و حجیت ظن غیر اطمینانی را ذاتی نمی‌داند!

به نظر می‌رسد در این معنی از ذاتی، حجیت ظن ذاتی بوده و نیازی به جعل ندارد. البته این نظر دو تفاوت با نظر شهید صدر دارد:

۱. ایشان منجزیت ذاتی ظن را منحصر به تکالیف شرعی و مولای حقیقی می‌داند (یعنی حجیت ظن در موالی عقلاییه و عرفی ذاتی نبوده و نیاز به جعل دارد). در حالیکه به نظر می‌رسد حجیت ظن در تمام موالی (هم مولای حقیقی و هم موالی عقلاییه و عرفیه) ذاتی است. توضیح اینکه ایشان منکر جریان برائت عقلیه نسبت به مولای حقیقی است، لذا حجیت ظن در مولای حقیقی ذاتی خواهد بود؛ اما به نظر می‌رسد برائت عقلیه در موالی عرفیه و عقلاییه نیز جاری نبوده، لذا حجیت ظن نسبت به تمام موالی ذاتی است. بنابراین علاوه بر قطع، ظن نیز (و حتی وهم و شک نیز) موجب تنجز تکالیف شرعی و عقلایی و عرفی می‌باشد.

۲. اختلاف دوم اینکه در نظر ایشان منجزیت ظن و وهم و شک و قطع در تکالیف شرعیه، از باب «حق الطاعة» است؛ اما به نظر می‌رسد منجزیت آنها از باب «احتیاط عقلی» است. تفاوت این دو نظر در مباحث قبل توضیح داده شده است، و در ابتدای مبحث «اصول عملیه» نیز توضیح داده خواهد شد.

ذاتی به معنای غیر جعلی و غیر قابل ردع

ممکن است مراد از «ذاتی» این باشد که حجیت و منجزیت ظن نیازی به جعل نداشته، و امکان ردع از آن هم نیست. یعنی «ذاتی» متقوم به دو امر است: اول اینکه جعل نمی‌خواهد؛ و دوم اینکه الغای حجیت آن هم ممکن نیست (بر خلاف احتمال اول،

۱. دروس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۲۸۲: «و لا شك فی حجیة الإحراز الواصل إلى درجة القطع تطبیقا لمبدأ حجیة القطع، كما لا شك فی أن الإحراز الظنی غیر كاف للمقصود ما لم یقم دلیل شرعی علی التعبد به فیدخل فی نطاق الإحراز التعبدی. و أما الاطمئنان فقد یقال بحجیته الذاتیه عقلا تنجیزا و تعذیرا كالقطع، بمعنى أن حق الطاعة الثابت عقلا كما یشمل حالة القطع بالتكلیف كذلك یشمل حالة الاطمئنان به، و كما لا یشمل حالة القطع بعدم التكلیف كذلك لا یشمل حالة الاطمئنان بعدمه».

که اعمّ بود از اینکه الغای حجّیت آن ممکن باشد یا نباشد). در این صورت، ابتدا اقوال مختلف در ذاتیتِ حجّیتِ قطع، و سپس در ذاتیتِ حجّیتِ ظنّ بررسی می‌شود:

در حجّیتِ ذاتیِ قطع دو نظر وجود داشت: اول اینکه الغای حجّیت قطع ممکن نیست؛ و دوم اینکه الغای آن ممکن است (نظر مختار نیز امکان الغای حجّیت قطع بود). البته قائلین به عدم امکان الغای حجّیت قطع، دو دسته بودند: الغای حجّیت قطع در نظر مشهور ثبوتاً محال است؛ و در نظر شهید صدر هرچند ثبوتاً ممکن، اما اثباتاً محال است (یعنی اگر مولی حجّیت قطع را الغاء نماید، امکان وصول آن به مکلف نیست؛ لذا چنین الغایی لغو است، و از حکیم صادر نمی‌شود).

در حجّیتِ ذاتیِ ظنّ نیز واضح است که بنابر نظر مختار در قطع، الغای حجّیت ظنّ ممکن است (اگر الغای حجّیت قطع ممکن باشد، الغای حجّیت ظنّ به طریق اولی ممکن خواهد بود). پس ظنّ به این معنی از ذاتی، حجّیت ذاتی ندارد؛ در نظر شهید صدر نیز واضح است الغای حجّیت ظنّ محذور ثبوتی ندارد (زیرا در قطع هم محذور ثبوتی نیست)، و آن محذور اثباتی در مورد ظنّ وجود نداشته و الغای حجّیت ظنّ قابل ایصال به مکلف است. پس در نظر ایشان نیز ظنّ به این معنای ذاتی، حجّیت ذاتی ندارد.

بنابراین در نظر مختار و نظر شهید صدر، حجّیت ظنّ به معنای اول ذاتی بوده، و به معنای دوم ذاتی نیست.